

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مؤلفه‌های آموزشی توسعه انسانی

مؤلف:

مریم برادران حقیر

فهرست مطالب

سخن ناشران.....	۱۱
پیشگفتار.....	۱۵
ساختار اثر.....	۱۹
فصل ۱. مفهوم شامی توسعه و سیر تحولات در رویکردهای آن.....	۲۱
مقدمه.....	۲۱
۱-۱. مفهوم شناسی توسعه.....	۲۲
۲-۱. سایر اصطلاحات رایج.....	۲۷
۳-۱. سیر رویکرد توسعه.....	۲۹
۱-۳-۱. رویکرد رفاه انسانی.....	۲۹
۲-۳-۱. رویکرد نیازهای اساسی.....	۲۹
۳-۳-۱. رویکرد توسعه منابع انسانی.....	۲۹
۴-۳-۱. رویکرد توسعه انسانی.....	۳۰
۴-۱. تفاوت رویکرد توسعه انسانی با سایر رویکردها.....	۳۱
۵-۱. نظریه‌های توسعه با تأکید بر عوامل فرهنگی، اجتماعی و انسانی.....	۳۳
۶-۱. جمع بندی و نتیجه گیری.....	۳۸

فصل ۲. مفهوم و زیربنای فکری توسعه انسانی در غرب و مؤلفه‌های آموزشی آن ۴۱

مقدمه ۴۱

۱-۲. مفهوم شناسی توسعه انسانی ۴۱

۲-۲. هدف توسعه انسانی ۴۵

۳-۲. نظریه زیربنایی توسعه انسانی ۴۶

۱-۳-۲. عقلانیت ۴۸

۲-۳-۲. آزادی ۵۰

۳-۳-۲. فردگرایی ۵۲

۴-۲. جایگاه سرمایه انسانی و آموزش ۵۳

۵-۲. مؤلفه‌های آموزشی توسعه انسانی و رویکردهای ناشی از آن در غرب ۵۹

۱-۵-۲. آموزش معطوف به عقلانیت نقادانه؛ ۶۱

۲-۵-۲. آموزش معطوف به آزادی ۶۴

۳-۵-۲. آموزش معطوف به فردباوری و ابراز وجود؛ ۶۵

۶-۲. جمع بندی و نتیجه گیری ۶۶

فصل ۳. تدویر مبانی، مفاهیم و مؤلفه‌های آموزشی توسعه انسانی در غرب ۷۱

مقدمه ۷۱

۱-۳. مبانی انسان شناسی در اسلام ۷۲

۲-۳. نقدی بر مفهوم توسعه انسانی در غرب ۷۵

۳-۳. نقدی بر نگرش نسبت به آموزش در توسعه انسانی ۸۰

۱-۳-۳. بررسی مفهوم علم در غرب و اسلام ۸۳

۴-۳. مبانی علم در غرب و اسلام ۸۹

۵-۳. بررسی مبانی عقلانیت و خردورزی در غرب و اسلام ۹۶

۶-۳. جمع بندی و نتیجه گیری ۱۰۱

فصل ۴. مفهوم توسعه انسانی در اسلام و مؤلفه های آموزشی آن.....	۱۰۷
۱-۴. مفهوم شناسی توسعه انسانی.....	۱۰۷
۱-۱-۴. مفهوم شناسی وسع، رشد و هدایت.....	۱۰۸
۱-۱-۱-۴. مفهوم واژه وسع.....	۱۰۸
۲-۱-۱-۴. مفهوم واژه رشد.....	۱۰۹
۳-۱-۱-۴. مفهوم واژه هدایت.....	۱۱۰
۲-۴. مقایسه واژگان و بررسی جایگاه هر یک از آنها.....	۱۱۰
۳-۴. رشد در آیات قرآن.....	۱۱۱
۱-۳-۴. رشد به معنای کمال عقلی.....	۱۱۲
۲-۳-۴. رشد به معنای تولدی و تبری (جهت گیری الهی در عواطف).....	۱۱۳
۳-۳-۴. رشد به معنای حق محوری؛ اهتدا به راه نجات و پیروی از دین.....	۱۱۳
۴-۴. عوامل مؤثر بر رشد.....	۱۱۵
۱-۴-۴. طلب علم و حکمت و عمل به آن.....	۱۱۵
۲-۴-۴. صبر و حلم در علم آموزی.....	۱۱۶
۵-۴. مفهوم غیّ به عنوان نقطه مقابل رشد.....	۱۱۶
۱-۵-۴. غیّ به معنای غفلت از هدف.....	۱۱۷
۲-۵-۴. غیّ به معنای تبعیت از شیطان.....	۱۱۸
۳-۵-۴. غیّ به معنای ناامیدی و حیرت.....	۱۱۸
۶-۴. مفهوم توسعه انسانی از دیدگاه اسلام.....	۱۱۹
۷-۴. نتیجه گیری و جمع بندی.....	۱۲۰
۸-۴. مؤلفه های آموزشی تعالی (توسعه) انسانی در اسلام.....	۱۲۱
۱-۸-۴. اهداف آموزش از دیدگاه اسلام.....	۱۲۲
۲-۸-۴. مؤلفه های آموزشی تعالی انسانی.....	۱۲۴

۸ □ مؤلفه‌های آموزشی توسعه انسانی

۱۲۵.....	۱-۲-۸-۴. مؤلفه عقلانیت و حیانی
۱۳۳.....	۲-۲-۸-۴. مؤلفه علم نافع
۱۴۰.....	۹-۴. بحث و نتیجه گیری
۱۵۳.....	فهرست منابع
۱۶۷.....	نمایه

فهرست جداول و نمودارها

- جدول شماره (۱-۱): دهه‌های توسعه (نظری ۱۳۸۵: ۳۳)..... ۳۱
- نمودار شماره (۱-۱): تأثیر آموزش در تحولات ذهنی و عینی..... ۳۶
- جدول شماره (۱-۲): مفهوم توسعه انسانی (ولزل و همکاران ۱۳۸۲: ۱۰)..... ۴۳
- نمودار شماره (۱-۲): ابعاد توسعه در غرب و نسبت آن با عقلانیت (حاجی هاشمی ۱۳۸۴: ۸۲)..... ۴۸
- جدول شماره (۲-۲): ویژگی‌های نیروی انسانی توسعه یافته در غرب..... ۵۵
- نمودار شماره (۱-۳): تصویر انسان در تئوری توسعه غربی (رحیم‌پور ازغدی ۱۳۷۵: ۸۵)..... ۷۷
- جدول شماره (۱-۳): تفاوت‌های بنیادین اندیشه اسلام و اندیشه‌های غربی..... ۱۰۲
- نمودار شماره (۱-۴): مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های آموزشی تعالی انسانی در اسلام..... ۱۴۰
- نمودار شماره (۲-۴): سیر تحول در مترتبی در تعلیم و تربیت اسلامی..... ۱۴۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم و يعلمهم الكتاب والحكمه وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين»
(قرآن کریم، سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۱۶۴)

سخن ناشران

حمد و ثنا خداوند بزرگ و ذات احدیت را که امتیاز و درجه عالمان و دانشمندان را در نزدیکی به جایگاه پر عظمت خویش قرار داد، همو که در این آیه شریفه بر مؤمنین منت نهاد آنگاه که از خودشان رسولی را برانگیخت تا برای آنان آیات وحی بخواند و ایشان را بشارت و بیم دهد. به راستی مرتبت علم و دانش و فضل و معرفت در نزد خدا جایگاهی قرار دارد که احدیت به واسطه اعطاء آن به آدمی بر بشریت منت نهاده است.

خداوند را شاکریم که در عصری که هنوز در برخی کشورهای جهان، زنان را واجد شرایط شرکت در محافل سیاسی، اجتماعی و علمی نمی‌داند، خواهران گرامی ما در عرصه علم و تحقیق و پژوهش پیش می‌تازند و به جهت اراده استوار خویش اندیشه‌ها را به تکاپو و قلم‌ها را به حرکت وا می‌دارند (رئیس محترم دانشگاه امام صادق (ع) آیت الله مهدوی کنی).

این توفیق الهی است که یک مرکز داعیه‌دار علم و دانش بتواند در دستیابی به اهداف بلند خود، برنامه‌های خویش را بر مدار معرفت و دانایی

قرار دهد، چرا که علم و معرفت از چنان قدر و منزلت و عظمتی برخوردار است که باید گام نهادن در مسیر آن را از الطاف الهی دانست. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام (پردیس خواهران) طی سالیان گذشته افتخار این را داشته که در این راستا گام‌هایی برداشته و افق بلندی را در چشم‌انداز علمی خود پیش رو دارد که البته برخی فعالیت‌ها به صورت راهبردی یعنی درازمدت و برخی فعالیت‌ها به صورت میان مدت و کوتاه مدت بوده است. از جمله فعالیت‌های این مرکز در بخش‌های علمی و آموزشی و پژوهشی، به انجام رسانیدن برخی طرح‌ها، پژوهش‌ها و انتشار آن در قالب کتاب می‌باشد که اهداف متعالی دانشگاه را در دستیابی به رویکردهای تعیین شده به پیش خواهد برد. در این راستا الگوی اسلامی ایرانی رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر اهداف متعالی و بلند نظام جمهوری اسلامی، از رویکردهای نوینی است که در رسیدن به فعالیت‌های برنامه‌ای مورد توجه واقع می‌شود.

معاونت پژوهشی از زمان تشکیل تاکنون به این مهم توجه داشته و برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را به انجام رسانیده است. این معاونت تلاش دارد با عمق بخشیدن به این فعالیت‌ها و تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی در راستای محقق نمودن پژوهش‌هایی علمی، راهبردی و کاربردی دانشگاه گام‌هایی را بردارد؛ و مطابق با ساختار علمی دانشگاه به‌عنوان سازمانی دانش بنیان، برنامه‌محور، توسعه‌گرا و تحول‌مدار برای پاسخ‌گویی به نیازهای رو به رشد جامعه فراگیران خود، تلاش دارد با نیازسنجی و پاسخ‌گویی به مطالبات به پژوهش‌های علمی خود به ویژه در شاخه‌های مطالعات زنان با گرایش‌های نسل جوان پاسخ دهد.

خوشبختانه این فعالیت مورد استقبال اساتید، دانشجویان و برخی محیط‌های علمی در استفاده و بهره‌برداری از برخی کتب چاپ‌شده بوده

سخن ناشران □ ۱۳

است. از کلیه کسانی که ما را در این مسیر یاری نموده‌اند تشکر و تقدیر نموده و از همه محققان و فرهیختگان گرامی جهت همکاری در امور علمی پژوهشی دعوت می‌نماییم.

معاونت پژوهشی دانشگاه

اداره کل پژوهش،

حوزه معاونت پژوهشی و فناوری

پردیس خاوران

پیشگفتار

توسعه انسانی، رویکرد جدید توسعه در غرب است که با زیربنای فکری **لیبرالیسم** پی‌ریزی شده و الگوی برنامه‌ریزی دولت‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است.

این رویکرد برای تحقق شعار **بسط انتخاب بشری**، انسان را محور و **دموکراسی** را هسته مرکزی خود قرار داده تا بدینوسیله بتواند رشد اقتصادی را در پوششی انسانی و نه صرفاً ماشینی محقق نماید. توجه به منابع و سرمایه‌های انسانی و گذر از آن برای رسیدن به شرایطی که انسان، هدف توسعه باشد و نه ابزار آن، نقطه قوت این رویکرد تلقی می‌شود.

در این میان، آموزش مؤلفه‌ای قابل تأمل است که به‌عنوان بازوی اجرایی و فرهنگ ساز این حرکت مورد توجه قرار می‌گیرد، چرا که **رفاه و بهداشت** (دو مؤلفه دیگر توسعه انسانی) نیز در سایه آموزش صحیح و تربیت شهروندان تربیت شده محقق می‌شود.

اما آنچه در این رویکرد مغفول مانده است، فطرت انسانی است که در تمام آموزه‌های اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، انسان مورد نظر اسلام برخلاف دیدگاه غربی، بریده از مبدأ و غایت هستی تلقی

نمی‌شود و هدف خود را تنها ارضای امیال دنیایی در نظر نمی‌گیرد. بلکه خداوند به‌عنوان خالق و هدایت‌کننده نظام هستی، نقطه توجه قرار می‌گیرد. از این جهت، حقّ هسته مرکزی توسعه انسانی خواهد بود و تمامی برنامه‌ها در جهت هدف نظام تربیتی اسلام - که تربیت بر اساس فطرت یا همان دین مبین اسلام است، برنامه‌ریزی می‌شود.

در این دیدگاه، توجه به نیازهای انسانی و جامعه انسانی و هدف غایی آن به‌عنوان چارچوبی در تعیین ویژگی‌های آموزش به خوبی قابل مشاهده است. متأسفانه امروزه کتاب‌های درسی مملو از علمی ناکارآمد است؛ علمی که سود دنیایی و آخرتی را برآورده نمی‌سازد و صرفاً اطلاعاتی است برای انباشتن ذهن یادگیرنده. این امر در اسلام مذموم به شمار می‌آید، چرا که در این دیدگاه علم چنانچه معطوف به کشف واقع نبوده و از حقایق بریده باشد و منجر به پرورش و هدایت همه جانبه نگردد، قابل اعتنا نیست و سودی در بر ندارد. از این رو، چارچوب ارائه شده در اسلام برای ویژگی‌های آموزش مورد نظر جامعه اسلامی، متفاوت از نگاه رایج است.

این اثر در پی پاسخگویی به این پرسش است که چنانچه جامعه اسلامی بخواهد به تعالی انسانی دست یابد، در آموزش این جامعه چه ویژگی‌هایی را باید مورد نظر قرار داد؟ پاسخ به این پرسش با توجه به مبانی انسان‌شناسی که منجر به تعیین اهداف آموزشی می‌شود. با در نظر گرفتن مبدأ و غایت هستی، پاسخی متفاوت نسبت به آنچه که در غرب رایج است می‌طلبد که در این مجال، به آن پرداخته شده است.

این مجموعه نتیجه پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده است که با راهنمایی دلسوزانه خانم دکتر انسیه زاهدی و خانم دکتر نیکو دیالمه به ثمر رسیده است. در مراحل مختلف نگارش، حمایت خانم دکتر زاهدی و

پیشگفتار □ ۱۷

منبع شناسی ایشان در مباحث توسعه انسانی و هدایت تیزبینانه خانم دکتر دیالمه در بخش اسلامی مزید امتنان است. خانم دکتر دیالمه در تدوین نهایی کتاب نیز با در اختیار قرار دادن دانش خویش، این شاگرد را به لطف نوازش کردند. قابل ذکر است که استفاده از اصطلاح عقلائیّت و حیانی و تعالی انسانی به جای توسعه انسانی از جمله ابداعات این استاد ارجمند است.

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

ساختار اثر

این کتاب شامل چهار بخش است:

بخش اول ابتدا به مفهوم شناسی توسعه از حیث لغوی و اصطلاحی می‌پردازد و اصطلاحات رایج در این حوزه را نیز مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهد. سپس سیر تحولات در توسعه را مبتنی بر رویکردهای موجود بیان می‌دارد که در آن به رویکرد رفاه انسانی، نیازهای اساسی، توسعه منابع انسانی و در نهایت توسعه انسانی اشاره می‌کند. همچنین نظریه‌های توسعه که بر عوامل انسانی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارند و بر جریان توسعه انسانی مؤثر واقع شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد.

از آنجایی که در بررسی هر حرکت و الگو، زیربنای فکری آن اهمیت دارد، بخش دوم به بررسی چارچوب فکری توسعه انسانی در غرب اختصاص یافته است تا مفهوم و هدف توسعه انسانی در قالب این چارچوب فکری قابل درک باشد. عناصری مانند عقلانیت، آزادی، فردگرایی و سرمایه، شاکله این نظام فکری را پایه‌ریزی کرده‌اند که با توجه به این نظام فکری، در بخش دوم مؤلفه‌های آموزشی توسعه انسانی و آثار آن در آموزش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بخش سوم این مفاهیم (مانند مفهوم توسعه انسانی) و عناصر زیربنایی (مانند آموزش، علم و عقلانیت)، مورد نقد قرار گرفته‌اند تا زمینه برای ورود به دیدگاه اسلامی فراهم شود.

بخش چهارم شامل دو فصل است؛ ابتدا با توجه به واژه شناسی قرآنی، واژه‌هایی مانند رشد، وسع و هدایت که با مفهوم توسعه مرتبط هستند مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار گرفته‌اند. سپس با انتخاب رشد به‌عنوان واژه کلیدی، با مراجعه به تفاسیر ذیل آیات مربوطه، مفهوم مصطلح قرآنی و ویژگی‌های آن، عوامل مؤثر و عوامل مخرب آن - که ذیل واژه غیّ بررسی می‌شود، مورد مذاقه قرار می‌گیرد. آنگاه مفهوم توسعه انسانی بر اساس ویژگی‌های استخراج شده، مورد بازتعریف قرار گرفته است. در این بازتعریف، اصطلاح «تعالی انسانی» به‌عنوان اصطلاح جایگزین «توسعه انسانی» پیشنهاد شده که از این پس نیز مورد استفاده در کتاب قرار گرفته است.

فصل دوم این بخش، به بیان مؤلفه‌های آموزشی تعالی انسانی در دیدگاه اسلام اختصاص دارد که با کنکاش در روایات و احادیث در دو مؤلفه **عقلانیت و حیانی و علم نافع** تقسیم شده است. برای درک بهتر ویژگی این مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌هایی برای هر یک از آنها استخراج گردیده که نشانگر گستره مؤلفه‌هاست.

قابل ذکر است که این مؤلفه‌ها بر پایه حدیثی از امام صادق علیه‌السلام جهت تحقق اهداف آموزشی مورد نظر اسلام استخراج شده‌اند.



مفهوم‌شناسی توسعه و سیر تحولات در رویکردهای آن

مقدمه

توسعه از مفاهیم دنیای معاصر است. این مقوله از دنیای غرب وارد حوزه‌های مختلف زندگی شده و اثرات عمیقی بر مفاهیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گذاشته است. در این مفهوم که بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد، افزایش متغیرهای کمی اقتصادی همانند تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و غیره مورد نظر قرار گرفت. اما طی چند دهه، تجربه نشان داد که هر چند رشد اقتصادی شرط لازم برای بهبود زندگی افراد جامعه است، ولی شرط کافی نیست.

در پی این امر، برخی اقتصاددانان علاوه بر متغیرهای اقتصادی، به متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز توجه کردند. از جمله *آمارتیا سن*^۱، محبوب *الحق*^۲، *گوستاو رانیس*^۳ و *دسای*^۴ مفهومی به نام *توسعه انسانی* را مطرح ساختند. این مفهوم که در سال ۱۹۹۰ عنوان شد، به سه عامل آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی نظر داشت. در یک بررسی، گرچه انتظار می‌رفت کشورهای با درآمد سرانه بالاتر، از توسعه انسانی بالاتری برخوردار باشند، ولی چنین نبود.

این مفهوم به فرآیندهایی مربوط می‌شود که به پرورش و شکل‌گیری استعداد‌های انسان منتهی می‌شوند، مشارکت فعال افراد را در جریان رشد اقتصادی میسر می‌سازند و راه بهره‌گیری از افزایش تولید ملی را هموار می‌کنند. از این‌رو مرتبط ساختن شرایط اقتصادی و زندگی انسان، کانون توجه توسعه انسانی قرار گرفت.

همچنان که تجربه کشورها نشان می‌دهد، پیشرفت اقتصادی بدون تغییر و تحول مناسب در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محال است (قورچیان، آراسته و جعفری ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۵۱). بنابراین در فرآیند اخیر، گسترش توانایی‌ها، ظرفیت فکری، کیفیت کسب دانش و مهارت‌های فنی، خلاقیت و نوآوری، قابلیت‌های انسانی در حل مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، بهره‌مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه و به‌طور کلی بهبود شرایط زندگی مادی و معنوی برای همگان اهمیت می‌یابد.

در رویکرد جدید توسعه که به توسعه انسانی شناخته می‌شود، آموزش مهمترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است. آموزش در مسیر رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی به کار گرفته می‌شود و نقش زیربنایی آن در توسعه فردی و اجتماعی به صورت باوری درآمده که به‌عنوان حقوق پایه‌ای بشری و ارزش انسانی به رسمیت شناخته می‌شود.

۱-۱. مفهوم شناسی توسعه

توسعه در معنای لغوی معادل Development، برگرفته از واژه Develop است که بر اساس فرهنگ آریان پور به معنای «رشد یافتن یا دادن، توسعه یافتن یا دادن، گسترش یافتن یا دادن، بالیدن، گستراندن، پرورش دادن، رشد کردن، تبدیل شدن، دگرگون سازی، تحول یافتن، شکل گرفتن، به وجود آمدن،

معمور کردن، آبادی، ظاهر شدن فیلم، رستن و روییدن، نیرومندی، مؤثر کردن یا شدن، کم‌کم آشکار شدن، شکفتگی تدریجی و آشکار شدن اجزای هر چیز و رشد چیزی است که در نطفه مکنون باشد، بسط دادن، مسطح کردن، ایجاد و تولید، پیشرفت، ترقی و بهتر شدن» تلقی می‌شود (آریان پور کاشانی ۱۳۸۷: ج ۲، ۱۵۷۶-۱۵۷۵).

در فرهنگ دهخدا، توسعه «فراخی و فراخ کردن و گسترش دادن، پیشرفت و بهبود» (دهخدا ۱۳۸۵: ۸۰۵) آمده است؛ مفهومی که حداکثر دو بعد طول و عرض را در برمی‌گیرد و فاقد عمق و فراز است (نقی‌زاده ۱۳۸۲: ۱۶۲).

توسعه مفهوم جدیدی نیست، بلکه تعریف جدیدی از تکامل بشری است. بشر به‌طور فطری به تکامل و بهبود علاقمند است. در این راه پی‌درپی تلاش می‌کند که از موقعیت فعلی به مطلوب دست یابد. در چند قرن اخیر، مفهوم تکامل به مفهوم توسعه تبدیل شد (سریع القلم ۱۳۷۱: ۲۷).

این اصطلاح گاهی شامل تغییرات دائمی است که در نتیجه یادگیری طولانی، خواه عمدی یا غیرعمدی، پیدا می‌شود (فرمینی فراهانی ۱۳۷۵: ۱۴۹).

مقابل این واژه، Envelopment، به معنای پوشش و لفاف قرار دارد. پس توسعه یافتن به معنای خروج از پوشش و لفاف است (آقاجانی ۱۳۷۹: ۹۹).

اما در معنای اصطلاحی، توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کنی فقر مطلق است. در اصل توسعه باید نشان دهد مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع مطلوب یا حالتی از زندگی مادی و معنوی بهتر سوق می‌یابند. به عبارت

دیگر توسعه یعنی ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر (تودارو ۱۳۷۷: ۲۴-۲۳).

در فرآیند توسعه، باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیت‌های شناخته شده، سطح رفاه جامعه ارتقا یابد. یعنی توسعه عبارتست از بازسازی کامل یک جامعه، به ویژه از دیدگاه ایجاد نهادهای تازه که متناسب با بصیرت و اندیشه‌های مهم جدید باشد. در جریان این بازسازی و این نهادسازی جدید، تمدنی تازه ایجاد و جامعه بالنده می‌شود (دعایی ۱۳۸۵: ۷).

مشاوران یونسکو توسعه را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

فرایندی هدفدار است که به وسیله انسان آغاز می‌گردد و هدف آن بهبود بخشیدن به شرایط زیستی کلیه افرادی است که در یک جامعه زندگی می‌کنند. این تعریف ما را لاقلاً به سه جنبه اساسی که برای توسعه ضروری است، جلب می‌کند:

(۱) توسعه فرایندی است که حرکت آن در جهت بهزیستی است؛

(۲) فرایند توسعه به وسیله انسان آغاز می‌شود؛

(۳) توسعه فرایندی است مداوم، از این‌رو باید بر آن پیوسته نظارت

داشت (مشاوران یونسکو ۱۳۸۵: ۲۱).

البته مفهوم توسعه بیشتر وضعیت اقتصادی را به ذهن متبادر می‌کند اما در واقع می‌تواند در تمام زمینه‌های مطرح شود (حسینی نسب و اقدم ۱۳۷۵: ۵۵۶). از دیدگاه نظریه‌نوسازی^۵، فرایند توسعه عبارتست از فرآیند انتقال از دنیای سنتی و کهنه به دنیای نو یا گذر از سنت به تجدد. برخی برای توسعه این تعریف را ذکر کرده‌اند: «توسعه فرایندی اجتماعی است، مبتنی بر

عقلانیت عمل که در آن جامعه از وضعیت غیرعقلانی نامطلوب به سوی وضعیت عقلانی مطلوب گذر می‌کند.» (جهانپان ۱۳۷۷: ۱۱۰).

خوارزمی (۱۳۷۸: ۵) معتقد است «توسعه یعنی به فعل درآوردن توان‌های بالقوه جامعه و استفاده از منابع برای بهبود شرایط مادی و معنوی انسان و ارتقای سطح زندگی. به عبارت دیگر توسعه یعنی بهبود وضعیت انسان.» به تعریف آمارتیا سن «توسعه فرآیندی ارزشمند است که قابلیت‌ها و استحقاق‌های مردم را به روشی بسط می‌دهد.» (UNDP 1990: 10)

در فرهنگ جامع مدیریت، تعریفی که از توسعه ارائه می‌شود به اینصورت است:

تغییر تدریجی از حالت ابتدایی به سوی حالت تکامل یافته؛ هم از بعد کمی و هم از جنبه کیفی. به عبارت دیگر توسعه کشف چگونگی حرکت‌های تکاملی در پدیده‌های اجتماعی و سرعت بخشی به حرکت و پویایی آن‌ها در روند رو به پیشرفت است. معادل مناسب Development در این حیطه، پرورش انتخاب شده است، یعنی استقرار وضعیتی که نیازهای اولیه و ثانویه همه افراد جامعه به اندازه مناسب ارضا شود و امکان شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های افراد برای دستیابی به کمال و تعالی فراهم شود (زاهدی و همکاران ۱۳۷۴: ۹۹-۹۸).

بعضی از صاحب‌نظران معتقدند اگرچه نمی‌توان تعریفی از توسعه ارائه داد که مورد توافق تمامی صاحب‌نظران باشد اما شاید بتوان چند ملاک کلی برای آن ذکر کرد:

(۱) توسعه سریع علم و کاربرد آن در فن‌آوری برای افزایش تولید در وجوه مختلف؛

(۲) کاربرد انواع عالی‌تر انرژی؛

(۳) عقلانی شدن فعالیت‌های انسان، یعنی انضباط پذیری و ترسیم رابطه روشن میان وسایل و اهداف؛

(۴) گسترش حوزه آگاهی از وجود شقوق و راه‌حل‌های مختلف در زندگی؛

(۵) گسترش و تنوع نهادهای اجتماعی مختلف در جهت برآوردن نیازهای فزاینده و پیدایش تنوع و تکثر در ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی (قورچیان، آراسته و جعفری ۱۳۸۳: ۵۴).

به مفهوم دقیق‌تر، توسعه فرآیندی «تدریجی، دائمی، دراز مدت، مستمر و بدون انقطاع»، دارای مکانیسم «ایجاد یا کشف، افزایش مستمر و پیوسته، تحول و نوآوری و پویایی، ارتقای کمی و کیفی با کارکرد بهینه‌سازی» است که از یک سو در استفاده از ظرفیت‌ها، توانایی‌ها، قابلیت‌ها و امکانات بالفعل و بالقوه مادی و معنوی و انسانی فرد و جامعه، و از سوی دیگر در تبدیل منابع و نیروهای بالقوه این فرآیند، در به فعلیت رساندن کلیه توانایی‌ها، ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و امکانات برای رسیدن به پیشرفت، تجدد و رشد همه جانبه که در تمام محورهای وجودی اجتماع به کار می‌رود، معنا بخشد (حاجی‌هاشمی ۱۳۸۴: ۱۷).

در هر حال تعریف توسعه تحت تأثیر نظام فکری و ارزشی حاکم شکل می‌گیرد که بیشتر، آن را عبارت از رشد کمی و کیفی امکانات مادی و رفاه جامعه می‌دانند. توسعه واقعی است که در ابعاد مختلف زندگی اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اثرات مشخصی بر جای می‌گذارد. به‌طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. افزون بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی،

اجتماعی و اداری است و در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که تعاریف و مفاهیم مورد اشاره، هر یک در فرهنگ و رویکردی خاص معنا یافته و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. آنچه اهمیت دارد آن است که در زمان استعمال، مراد گوینده روشن و مشخص باشد. به‌طور مثال، در رویکرد الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مراد از پیشرفت، «تحوّل متکامل» است، به طوری که استعدادهای فردی و جمعی پویا باشد. در این رویکرد، مفهوم پیشرفت اعمّ از توسعه لحاظ شده که رشد و ترقّی را نیز در برمی‌گیرد. بعضی صاحب‌نظران این رویکرد معتقدند «رشد» و «ترقی» به جنبه فردی اشاره دارد اما «توسعه» و «پیشرفت» جنبه اجتماعی دارند. در توسعه، هدف فراهم کردن زندگی مرفّه و خوب^۶ است، اما در پیشرفت هدف نیکو و خوب زیستن^۷ است (زمانی ۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۵۸).

۲-۱. سایر اصطلاحات رایج

اصطلاح توسعه در دهه‌های اخیر با مفاهیمی مانند «رشد»، «نوگرایی»، «دموکراسی»، «خلاقیت» و «صنعتی شدن» مترادف است (مولانا ۱۳۷۷: ۱۰). در مباحث اقتصادی، رشد متوجه پیشرفت و تحول در برخی جنبه‌های اقتصادی است که ابعاد مختلف و عامّ توسعه اقتصادی را تشکیل می‌دهد (سلمان پور ۱۳۸۶: ۶۴)

اگر در دوره‌ای معین تولید نسبت به دوره قبل افزایش یابد، می‌گوییم رشد صورت گرفته است. اما مفهوم توسعه دلالت بر ظهور پدیده دیگری در کنار افزایش تولید دارد که آن را می‌توان یک مفهوم کیفی دانست. هرگاه

جامعه‌ای با به کارگیری روش‌های بهتر و تکنولوژی مناسب‌تر، ظرفیت تولیدی خویش را افزایش دهد و امکانات و منابع خود را به طریق بهتری استفاده نماید، می‌گوییم در مسیر توسعه گام برمی‌دارد. پس هر افزایشی توسعه نیست. اما توسعه بر رشد نیز دلالت دارد (صادقی گرمارودی ۱۳۷۵: ۱۱۴).

از نظر بهادری نژاد (۱۳۷۶: ۴۶۵) «رشد عبارتست از مصرف هر چه بیشتر منابع و توسعه عبارتست از فراهم آوردن آسایش و تأمین نیازهای مادی جامعه با حداکثر بازده و حداقل آلودگی محیط زیست».

در واقع تفاوت توسعه با رشد در گستردگی معنای آن است؛ رشد را به معنای بسط زیربنایی اقتصادی می‌دانند ولی توسعه نه تنها دربرگیرنده رشد، بلکه مستلزم آن است که همه ابعاد مادی حیات به صورت هماهنگ شکوفا شوند. یعنی هدف جامعه نیز تنها بسط رفاه مادی نیست بلکه شکوفایی همه جانبه مورد نظر است (نظری ۱۳۸۵: ۲۶).

نکته دیگر آن که رشد را می‌توان در قلمرو دو دوره متوالی اندازه گرفت اما توسعه فرآیندی است که در طول فاصله زمانی طولانی‌تر اتفاق می‌افتد و اثر آن در چنین دوره‌های کوتاهی چندان مشهود نیست (صادقی گرمارودی ۱۳۷۵: ۱۱۵).

پیشرفت^۸ اصطلاح دیگری است که در کنار توسعه به کار برده می‌شود. این کلمه از نظر لفظی به معنای پیشروی^۹ یعنی حرکت به جلو است (هی‌وود^{۱۰}، ۱۳۷۹: ۷۴).

پیشرفت «امکان بهبود شرایط انسان» است که در صورت استفاده از علم و فن‌آوری محقق می‌شود (گوتک^{۱۱}، ۱۳۸۶: ۲۶۹). آنچه مسلم است آنکه، توسعه به معنای غربی آن اعم از پیشرفت است.

۳-۱. سیر رویکرد توسعه

۱-۳-۱. رویکرد رفاه انسانی^{۱۲}

در این رویکرد، مصرف کالا و خدمات، اساس زندگی بهتر به شمار می‌رود. از آن‌جا که درآمد واقعی میزان مصرف افراد از کالاهای و خدمات را تعیین می‌کند، شاخص رفاه اقتصادی «درآمد واقعی» است. در این رویکرد که مصرف کالا و خدمات یکی از عناصر زندگی بهتر است، برآوردن نیازهای روحی و گسترش ظرفیت‌های ذهنی را نیز یکی از عناصر زندگی بهتر به شمار می‌آورد که از طریق آموزش حاصل می‌شود. لذا پیشرفت آموزش در کنار درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود (نظری ۱۳۸۵: ۴۱).

۲-۳-۱. رویکرد نیازهای اساسی^{۱۳}

مردم نیازهای اساسی معینی دارند که زندگی بدون آن‌ها غیرممکن است. این نیازها تداوم بخش زندگی بی‌چون و چرا شامل غذا، مسکن، بهداشت و امنیت است. در این رویکرد، کارکرد اساسی تمام فعالیت‌های اقتصادی، تأمین ابزار و وسایل برای تعداد هرچه بیشتر افراد به منظور غلبه بر بیچارگی و فقر است که از فقدان نیازهای اساسی ناشی می‌شود (تودارو ۱۳۷۷: ۲۴).

۳-۳-۱. رویکرد توسعه منابع انسانی^{۱۴}

اندیشه تربیت نیروی انسانی متناسب با استانداردها و شاخص‌های مورد نیاز بازار کار، بعد از انقلاب صنعتی در اروپا قوت گرفت و با پیدایش و طرح نظریه سرمایه انسانی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسط سولو^{۱۵}، بکر^{۱۶} و شولتز^{۱۷} سرمایه‌گذاری در تولید و انباشت سرمایه انسانی از جانب برنامه ریزان توسعه اقتصادی دنبال شد. نظریه سرمایه انسانی به ارتقای مهارت‌ها و

کیفیت نیروی کار تأکید دارد، زیرا از این طریق، بهره‌وری فرد و سازمان افزایش می‌یابد. مطالعات و تحقیقات انجام شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در توسعه منابع انسانی، تا چند برابر سرمایه تخصیص یافته اولیه، بازده و سودآوری به همراه خواهد داشت. علاوه بر آن، امروزه سازوکار اشتغال و بازار کار به گونه‌ای سامان یافته است که انسان فاقد ویژگی‌های توسعه یافتگی در چرخه اشتغال جایگاهی ندارد، لذا بخش عمده‌ای از بیکاری نیروی انسانی در بازار کار متحوّل کنونی، ساختاری و ناشی از عدم انطباق ویژگی‌های نیروی کار با پیش‌نیازها و الزامات بازار کار است (شریعت زاده و چیذری ۱۳۸۳: ۶۵).

۱-۳-۴. رویکرد توسعه انسانی

این رویکرد، شالوده خود را از رویکرد قابلیت آمارتیا سن گرفته است: توسعه انسانی توانایی یک فرد برای داشتن انتخاب‌های مختلف و دستیابی به سطح رفاه متناظر است (Ranis 2004: 1).

یعنی پیشرفت جامعه تنها بر درآمد سرانه تکیه ندارد، بلکه لازمه آن، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است (UNDP 2004: 42).

در اولین برنامه توسعه انسانی UNDP در سال ۱۹۹۰، توسعه در سه بعد مورد بررسی قرار گرفت:

- (۱) دستیابی به دانایی
- (۲) امکان زندگی طولانی سالم
- (۳) دسترسی به منابع برای زندگی در شرایط استاندارد.

از برجستگی‌های این گزارش، تأکید آن بر روی هر سه بعد به‌عنوان ستون‌های اساسی و ضروری توسعه انسانی است (UNDP 1990:9).

در این نگاه نو، شاخص توسعه انسانی به عنوان مقیاسی برای توسعه انسانی در هر یک از این سه بعد ارائه شد و سطح سواد بزرگسالان را به عنوان مؤلفه بعد دانایی، امید به زندگی در زمان تولد را به عنوان مؤلفه زندگی سالم و تولید ناخالص داخلی همسان شده را به عنوان مقیاس استاندارد زندگی معرفی کرد.

در واقع توسعه انسانی گویای آن است که تحقق هر وجه از توسعه در جوامع، زمانی به طور تمام و کمال صورت می‌پذیرد که بر پایه ظرفیت‌های درونی انسان و پرورش نیروی ذهنی، روحی و قابلیت‌های افراد جامعه انسانی بنا شده باشد، نه این‌که مثلاً نیروی انسانی ابزاری در خدمت افزایش تولید ملی قرار گیرد، بلکه هر نوع توسعه‌ای اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باید از رهگذر انسان‌های پرورش یافته و آموزش دیده و توانمند تحقق یابد. طبیعی است که این روند چیزی نیست جز انسان سازی توسعه و بهره مند ساختن او از نتایج پیشرفتی که خود در پدیداری آن نقش داشته است (نظری ۱۳۸۵: ۴۲).

عنوان رویکرد	دهه	موضوع محوری توسعه
توسعه اقتصادی	۱۹۶۰	رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص داخلی
نیازهای اساسی	۱۹۷۰	توزیع متعادل ثروت و درآمد و کاهش نابرابری
توسعه منابع انسانی	۱۹۸۰	توسعه متوازن و توجه به ابعاد فرهنگی توسعه
توسعه انسانی	۱۹۹۰	محوریت انسان و کیفیت زندگی او

جدول شماره (۱-۱): دهه‌های توسعه (نظری ۱۳۸۵: ۳۳)

۴-۱. تفاوت رویکرد توسعه انسانی با سایر رویکردها

بر خلاف سه رویکرد دیگر که بر مصرف کالا و خدمات، تأمین حداقل نیازهای مادی و غیرمادی و ایجاد ظرفیت و پرورش توانمندی‌ها تأکید

می‌کنند، رویکرد توسعه انسانی با تأکید بر افزایش حیطه انتخاب انسانی، رویکردی کل‌نگر دارد. این رویکرد از یک سو به جای تأکید بر مصرف کالا و خدمات، به ایجاد ظرفیت‌ها همت می‌ورزد و از سوی دیگر به پرورش استعدادهای ذهنی در کنار رشد ظرفیت‌های مادی تأکید می‌کند و با هدف قراردادن زندگی بهتر، افق پویایی را فرا روی انتخاب‌های انسانی قرار می‌دهد (کلانتری ۱۳۸۰: ۱۵۵).

با توجه به این‌که اغلب بین توسعه انسانی و توسعه منابع انسانی تمایزی قایل نمی‌شوند، برای بیشتر روشن شدن این تفاوت، برنامه توسعه سازمان ملل در گزارش سال ۱۹۹۰ به مفهوم توسعه انسانی و تفاوت آن با توسعه منابع انسانی پرداخته و هر یک از این دو رویکرد را چنین تعریف می‌کند:

توسعه انسانی فرایندی است که طی آن گزینه‌های انتخاب مردم گسترش می‌یابد اما توسعه منابع انسانی یا سرمایه انسانی عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی مانند جذب، تأمین، آموزش و پرورش، افزایش دانش و کارایی و پدیدآوردن انگیزه که سرانجام به توسعه نیروی انسانی می‌انجامد (UNDP 1990: 15).

محبوب الحق در مقدمه کتاب «تحقق استراتژی توسعه انسانی»

می‌نویسد:

برخی توسعه انسانی را توسعه منابع انسانی دانسته‌اند اما سرمایه گذاری در نیروی انسانی یا تشکیل سرمایه انسانی، تنها جنبه‌ای از توسعه انسانی است. جنبه‌های دیگر، مانند مشارکت انسان‌ها در رشد از راه اشتغال و تولید درآمد و شکل‌گیری جامعه مدنی نیز به همان اندازه اهمیت دارد (گریفین، مک کنلی ۱۳۷۵: ۱۲).

طبق گزارش ۱۹۹۴، توسعه انسانی تمرکز انحصاری بر مردم به‌عنوان سرمایه انسانی را رد می‌کند. این مفهوم نقش محوری سرمایه انسانی را در افزایش بهره‌وری انسانی می‌پذیرد اما به همان میزان در اندیشه ایجاد فضای اقتصادی و سیاسی است که در آن مردم بتوانند توانایی‌های انسانی‌شان را گسترش داده، به نحوی مناسب به کار گیرند. مفهوم مذکور نگران انتخاب‌های انسانی است که از بهروزی اقتصادی فراتر است (معمارزاده ۱۳۷۴: ۲۵).

۱-۵. نظریه‌های توسعه با تأکید بر عوامل فرهنگی، اجتماعی و انسانی

یکم. عامل مذهب؛ تعالیم کالوین^{۱۸} در توسعه کشورهای پروتستان مذهب، تأثیر به‌سزایی داشت. زمینه‌های ذهنی ایجاد شده در طرفداران پروتستان، جامعه سرمایه‌داری را شکل داد. در تعالیم «کالوینیسم» اعتقاد به رسالت کار، انگیزه کار است که این انگیزه‌ها ریشه در باورها و کردارهای دینی دارند. در این مذهب کسب مال و گردآوری ثروت نه تنها عیب نیست بلکه پروتستان، مؤمن نشانه برگزیده بودن را در کارایی و ثمربخشی اجتماعی می‌داند و این را متناظر با خواست خداوند می‌شمارد. **ماکس وبر^{۱۹}** معتقد بود تعالیم کالوین، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری را تسخیر کرد و آنان را آماده پیشرفت اقتصادی نمود (نظری ۱۳۸۵: ۴۴).

دوم. عامل نیاز و انگیزه پیشرفت؛ دانشمندان علوم رفتاری معتقدند، تعدادی از انسان‌ها نیاز شدیدی به پیشرفت دارند. این پدیده نخستین‌بار به‌صورت علمی مورد توجه روانشناس مشهور دانشگاه هاروارد، **مک کله‌لند^{۲۰}** قرار گرفت. تحقیقات او و سایر پژوهشگران در کشورهای مختلف بر روی انگیزش، نظریه‌ای در رابطه با نیاز به پیشرفت و تأثیر آن بر رشد

اقتصاد ملی کشورها را پدید آورد. یافته‌های تحقیقات حاکی از آن است که توسعه اقتصادی در هر جامعه، به افزایش افراد با انگیزش پیشرفت بالا در آن جامعه بستگی دارد. به زبان دیگر تلاش برای پیشرفت و برتری پیش از توسعه اقتصادی می‌آید (حیدری پهلویان ۱۳۷۷: ۳۶).

مک کله‌لند بیان می‌کند شرایط اجتماعی بر میزان انگیزه موفقیت مؤثر است و از جمله این شرایط به آموزش در خانواده، طبقه اجتماعی والدین، تحرک اجتماعی و فضای ایدئولوژیک اشاره می‌کند (روشه ۱۳۸۱: ۱۵۰).

سوم. عامل تحصیلات عالی؛ توسعه آموزش عالی از منابع اصلی پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورها به شمار می‌رود. دانش‌آموختگان دانشگاه، هدایت دولت و جامعه، تقویت فرهنگ، ابداع، نوآوری، مدیریت فن‌آوری‌های نوین، صنعت و بازرگانی و امنیت ملی یک کشور را برعهده دارند. از این رو برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، بیش از هر چیز رشد و توسعه نیروی انسانی این قشر مورد توجه بوده است. بدون شک دولت‌ها به عنوان نمایندگان مردم، در ایجاد زمینه‌های مناسب برای تربیت نیروی انسانی نقش مهمی ایفا می‌کنند. سنت حاکم بر آموزش عالی در کشورهای پیشرفته نیز حداقل در پنجاه سال گذشته، تربیت نیروی انسانی با کیفیت عالی و مناسب برای حل مشکلات جامعه بوده است. دانشگاه‌ها کوشیده‌اند تا بروندهای آنان دارای تفکری خلاق باشند، بتوانند تفکرات خود را انتقال دهند، مسأله‌گشایی کنند و در نهایت نقش مهمی را در بهبود زندگی خود و دیگران ایفا نمایند (آراسته ۱۳۸۲: ۳۴).

به طور کلی آموزش عالی مهمترین و سازنده‌ترین نهاد اجتماعی است و باید بتواند:

(۱) موجب افزایش بار دانش شود.

(۲) این دانش باید منجر به نوعی فعالیت مولد شده و موجب افزایش

نقش فرد در اجتماع گردد.

(۳) به اعتلای خلاقیت‌ها در جامعه بینجامد (قانع بصیری ۱۳۷۴: ۱۲۳).

چهارم. عامل آموزش؛ نقش شگفت‌انگیز آموزش در زندگی انسان و

شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والای انسانی بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

این مسأله آنقدر اهمیت دارد که بعضی صاحب‌نظران معتقدند توسعه یافتگی

مترادف با مفهوم علم است (سریع القلم ۱۳۷۱: ۲۷) که در سایه آموزش

محقق می‌شود.

به‌طور کلی سرمایه‌گذاری در آموزش دو نتیجه مهم می‌تواند داشته

باشد:

(۱) تحوّل در ذهنیت

(۲) تحوّل در عینیت

ایجاد تحوّل در ذهنیت و باورهای جامعه در اثر آموزش نسبت به

تحوّل در عینیت اولویت دارد و باعث بروز آن می‌شود (علیا ۱۳۸۱: ۳).

تحوّل در ذهنیت و عینیت دارای اثراتی است که در نمودار زیر به اجمال

آمده است.